

روزهای سخت بعد از خداحافظی

بهداد سلیمی روزهای بعد از خداحفاظی اش را اینطور توصیف کرد: «سخت می گذرد. با بیکاری (باخته). سعی می کنم با خانواده ام مشغول باشم و بیشتر به آنها برسم. کم کم هم سعی می کنم به سمت کارهای جدید بروم. قطعاً وزنه برداری جدانمی شوم. تمام تجربیات و علاقه ام در وزنه برداری خلاصه می شود. حالا باید دید چه فرصتهایی پیش می آید که به وزنه برداری کمک کنم. دلنگار است دو هسستم چون بعد از ۱۲ سال اولین اردویی است که نیستم» او افزود: «باید تمرین های دیگر را انجام دهم و رژیم بگیرم و کم کم وزنم را پایین بیاورم. خلاصه ما معتاد ورزش هستیم و نمی توانم ورزش نکنم.» بهداد درباره اینکه چقدر با خودش کلنجار رفته تا تصمیم به خداحفاظی بگیرد، تصریح کرد: «خیلی سخت بود. من حتی تصمیمم را به همسرم نگفتم چون این احتمال را می دادم شاید در آخرین لحظات شیمان شوم. از همه سخت تر برای ورزشکار است که در این سن وسال بخواهد ورزش را کنار بگذارد. اما شرایط زانویم به گونه ای بود که دیگر اجازه نمی داد کار کنم. در جا کار تا زانویم خیلی آذیت کرد و آنجا دیگر تصمیم خودم را قطعی کردم.» او در پاسخ به اینکه آیا بازگشت علی حسینی تاثیری در خداحفاظی اش داشت، گفت: «نه، هر کسی راه خودش را می رود. اگر توان وزنه زدن را داشتم قطعاً خداحفاظی نمی کردم.»

بازی دشوار بدون حدادی و صمد



تیم ملی بسکتبال امروز مصاف سختی برابر ژاپن دارد. آسمانخراش های ایران که در مسیر جام جهانی ۲۰۱۹ هستند بدون حامد حدادی و صمد نیکخواه بهرامی در سرزمین خورشید حضور دارند و ساعت ۱۲:۴۰ امروز به وقت تهران برابر میزبان خود به میدان خواهد رفت. تیم ملی ایران پنجه چهارم انتخابی جام جهانی را با برد برابر فیلیپین آغاز کرده و حالا برای هموار کردن مسیرش تا چین نیاز به یک برد خارج از خانه دارد. با اینکه ژاپن نیک فاز کاس بازیکن پست چهارم و پنج آمریکایی خود را در اختیار ندارد اما دو بازیکن دورگه اش در ترکیب هستند و با استفاده از شرایط میزبانی قطعاً تقابلی سخت برای ایران رقم خواهند زد. این بازی در سالن اوتاسیتی توکیو آغاز می شود که سالن بسکتبالش برای این مسابقه افتتاح خواهد شد و تمام بلیت های مسابقه نیز یک ماه قبل به فروش رسیده است. بنابراین میزبان تدارک ویژه ای برای نبرد با ایران دیده است.

نابغه شطرنج با اسب می برد

پرواه مقصودلو نابغه شطرنج جوان ایران که در تازه ترین افتخار خود توانست مدال طلاي مسابقات جوانان جهان را به گردن بیاورد، می گوید: «می خواهم وارد دانشگاه شوم، چون خیلی مهم است که دانش افراد زیاد شود و مدرک بگیرند؛ ضمن اینکه این موضوع اهمیت زیادی هم برای خانواده من دارد.» او در خصوص اینکه کدام یک از مهره های شطرنج را بیشتر دوست دارد، نیز عنوان کرد: «اسب؛ یکی از مربیانم به من یاد داد که اگر می خواهم برنده باشم باید حداقل یک اسب داشته باشم و من هم به همین نتیجه رسیده ام. وقتی اسب با بازی باشد می توانم تاکتیک های بیشتری پیاده کنم. با اسب راحت تر راه پیروزی را پیدا می کنم. اسب برای من فوق العاده است.» مقصودلو همچنین در پاسخ به اینکه آیا می تواند تا پنج سال دیگر قهرمان جهان شود، عنوان داشت: «پنج سال زیاد است؛ تلاش می کنم تا سه یا چهار سال دیگر به قهرمانی جهان برسم. روزی ۱۵ ساعت تمرین می کنم. نکته جالب این است که پدر و مادرم ابتدا از شطرنج بازی کردن من خیلی خوشحال نبودند، اما زمانی که اعتماد به نفس من را دیدند و گفتم می خواهم قهرمان جهان شوم آنها هم به من اعتماد کردند؛ البته عناوینی هم که کسب کردم در این راه بی تاثیر نبود. خانواده خیلی خوبی دارم که قطعاً حالا از جایگاه من خوشحال هستند.» قهرمانی مقصودلو در قهرمانی جوانان جهان حساسی در شطرنج جهان سر و صدای آه انداخته است.

پرسپولیس - الدحیل؛ روز سرخ آزادی

ورنگ ها همگان قرمز...

برانکو و پسرها با شکست دادن نساجی، از طلسم نگران کننده تساوی هادر لیگ برتر عبور کردند و برای بازی بزرگ امروز روحیه گرفتند اما اگر همان نتیجه دیدار بانساجی برابر الدحیل تکرار شود، پرسپولیس از لیگ قهرمانان آسیا کنار خواهد رفت. در نبرد با حریف قدرتمند و پرستاره قطر، پرسپولیس باید در دفاع بی اشتباه و در حمله، فرصت طلب باشد. کمی خوش شانسی می تواند به آنها برای رد شدن از این مرحله کمک کند. پرسپولیس هنوز در فصل جدید کیفیت فوق العاده ای پیدا نکرده اما بازی رفت در قطر، ثابت کرد که الدحیل ابداشکست ناپذیر و خردنشدنی نیست.



آرژان هرنورد

ممکن، نتوانست توپ را از خط دروازه الدحیل عبور بدهد اما همین اتفاق، زنگ خطر را برای نیبیل معلول و تیمش به صدا درآورد و آنها را وادار کرد که در ادامه مسابقه، محتاط تر ظاهر شوند. پرسپولیس به ویژه در میانه میدان، نمایش دلچسپی داشت و سرانجام دو حه را با یک شکست خفیف ترک کرد. درست بعد از پایان مسابقه، واکنش رسانه های قطری نگرانی آنها برای حضور الدحیل در آزادی را به اثبات رساند. این رسانه های دانستند

که یک گل، اندوخته کافی برای بازی در جو وحشتناک آزادی نخواهد بود. شاید پرسپولیس در فرم فوق العاده ای نباشد اما الدحیل نیز به خوبی فصل گذشته نیست و این موضوع، نقش حوادث مسابقه را در تعیین تیم صعودکننده به اوج خواهد رساند. در تیم برانکو، سیدجلال حسینی، حسین ماهینی، بشار رسن و احمد نوراللهی با مصدومیت های جزئی روبه رو خواهند شد. همه این نفرات بدون جایگزین هستند و حتی اگر در ساق های شان

دردی احساس کنند، باید به هر قیمتی در این مسابقه در ترکیب قرار بگیرند. سیامک نعمتی به دلیل محرومیت، در این بازی حضور نخواهد داشت تا منشا و علیپور از ابتدای بازی خط حمله تیم را تشکیل بدهند. حضور منشا در بین نفرات اصلی، ظرفیت هجومی ترکیب را بالا خواهد برد اما از طرفی امکان اتکای مرد کروات به نیمکت ذخیره ها را به صفر خواهد رساند. امید اصلی قرمزها برای گل زدن در این جدال، علی علیپور است.

چهره به چهره

تراکتورسازی روزهای خوبی را پشت سر نمی گذارد

در محاصره حواشی

به نظر می رسد تراکتورسازی، اولین قدم را برای تبدیل شدن به اف.ث هالیوود برداشته است. مالک باشگاه بارها شباهت های پر شمار تیمش به استیل آذین را تکذیب کرده اما حرکات حیرت آور اشکان دژاگه برای اعتراض به تعویض در کنار زمین، ثابت می کند که تیم پرستاره سرخپوش به محاصره حواشی رآمده است. اگر توشاک کاربزمای لازم را برای برخورد با چنین حوادثی در تیمش نداشته باشد، تراکتور به سرعت در مسیر بن بست قرار خواهد گرفت. اشکان دژاگه در هفت سال

گذشته، هرگز رفتاری شبیه به این در تیم ملی بروز نداده اما حالا توشاک در کوتاه ترین زمان ممکن، شرایطی را به وجود آورده که یک بازیکن با تجربه به همین سانگی او را تهدید می کند و جو تیم را به هم می ریزد. بر خورد سرمربی ولزی با حرکات اشکان، کاملاً نرم است و انتظار می رود در هفته های آینده، رفتارهای مشابه دیگری نیز از سوی سایر بازیکنان تیم به نمایش دربیاید. تراکتور برای تبدیل شدن به یک تیم خارق العاده همه چیز دارد اما همچنان در مرحله ماقبل تیم شدن قرار گرفته است. توشاک، جام حذفی را از دست داده و با هر نتیجه ای به جز قهرمانی لیگ، در صف شکست خورده ها جای خواهد گرفت. شاید تمام همین مسائل باعث شده تا مدتی در تراکتورسازی پروژه برکناری توشاک را کلید بزنند!

توشاک و داستان تکراری مسعود و اشکان

مسئولیت با کیست؟!

«بازی دادن به شجاعی و دژاگه اشتباه بود». این اعتراف توشاک بعد از شکست سنگین مقابل استقلال در ورزشگاه آزادی، برای یک بار پذیرفتنی به نظر می رسد اما تکرار آن توسط این مربی، قبل از هر چیز استقلال خود او در باشگاه را زیر سوال می برد. مرد اول نیمکت تراکتور پس از واگذار کردن نتیجه به ابادانی ها، دوباره تصمیمش برای استفاده از اشکان و مسعود را زیر سوال برده اما توضیح نداده که مسئولیت قرار دادن این دو مهره در ترکیب تیم با چه کسی بوده است؟ اعتراف

همیشگی سرمربی و سرزنش ابدی دوبازیکن با تجربه، هیچ کمکی به آینده تراکتورسازی نخواهد کرد. تیم تیریزی برای رها شدن از وضعیتی که در آن گرفتار شده، باید سر نوشت شجاعی و دژاگه را مشخص کند. اگر خود توشاک برای بازی کردن آنها تصمیم می گیرد و این دو بازیکن «بزار» پیاده کردن نمایش های مدنظر او هستند، طبیعتاً باید به مصاحبه علیبه آنها پایان داده شود و اگر این تصمیم از جای دیگری به توشاک تحمیل می شود، سرمربی تراکتور باید به دنبال راهی برای پس گرفتن اقتدارش در باشگاه باشد. حقیقت آن است که تراکتور این روزها با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کند. مشکلاتی که تنها به دست یک مربی جاه طلب، پر حوصله و پر انگیزه بر طرف خواهند شد.



واسطه همین محبوبیت به نتایج دلخواهش رسیده اما از این به بعد، باید روی دانسته های فنی برای رسیدن به نتایج مطلوب حساب کند. دستیاران مضروب کی روش، حالا چهره های تازه نفوس مربیگری در لیگ برتر هستند. نکو با کنترل واکنش ها و فراموش کردن دوربین ها و کریمی با افزایش سطح تاکتیکی، می توانند آینده تیم ملی را تضمین کنند. تجربه حضور در اروپا برای تبدیل شدن هر دوی آنها به مربی کاملاً مفید بوده است. با این وجود شاید عجله برای سرمربیگری در بالاترین سطح، برای جادو گر و نکو کمی مشکل ساز شود.

ابدا به راه رفتن روی مغز داور ارتباطی پیدا نمی کند. جواد تصور می کند بسا این رفتار بازیکنان تیمش را به وجد می آورد اما به جای این اتفاق، تنها اضطراب به ستاره های نساجی در زمین منتقل می شود. جدال با پرسپولیس، موجی از سرزنش را برای جواد نکونام رقم زد اما مدت کوتاهی بعد علی کریمی در سپیدرود، به یک پیروزی تحسین برانگیز رسید و تیمی که در لیگ حتی یک پیروزی به دست نیاورده بود را تحویل گرفت و این تیم را در داری حساس گیلان به پیروزی رساند. تشویق این مربی در رختکن از سوی بازیکن ها، میزان محبوبیت او را در تیم نشان می دهد. جادو گر تا امروز به

را پشت سر گذاشتند. سرمربی نساجی با تیمش در ورزشگاه آزادی حاضر شد تا مقابل پرسپولیس قرار بگیرد. این اولین تجربه نساجی در آزادی در تاریخ لیگ برتر به شمار می رفت و هیچ کس انتظار زیادی از شمالی های تازه وارد لیگ نداشت. نساجی به لحاظ فنی نمایش نسبتاً خوبی داشت و در نهایت با یک شکست سبک به خانه برگشت اما واکنش های سرمربی جوان این تیم در کنار زمین، ابدا جذاب به نظر نمی رسیدند. نکو که سال ها در فوتبال اروپا حضور داشته با تحرک عجیبش در کنار زمین و اعتراض مداوم به عملکرد داور، رفتاری شبیه به علیرضا منصوریان را از خودش بروز داد. عصبانی کردن برانکو در لیگ برتر کار بسیار سختی به نظر می رسد اما جواد به خوبی پس این ماموریت سخت برآمد. او که به گفته خودش بیشترین تاثیر را از «کاماچو» گرفته، در اولین بازی بزرگ دوران مربیگری کاری را انجام داد که کاماچو به ندرت در همه سال های فعالیت فوتبالی انجام داده بود. البته که در فوتبال اروپا نیز مربیانی مثل کلوب به تحرک در کنار زمین خو گرفته اند اما حرکات کلوب در جهت تهییج بازیکنان خودی صورت می گیرد

درباره دو چهره از نسل تازه سرمربیگری فوتبال ایران

جادو گر و نکو؛ یک روایت خاکستری

سپری کرد و نکو نیز زیر سایه هیاهویی تمام نشدنی، در بابل مشغول به کار شد. به نظر می رسد هر دوی مربی در اولین انتخاب، مرتکب اشتباه شده اند اما هنوز زمان کافی برای جبران این اشتباه ها وجود داشت. جواد بعد از ترک بابل، هدایت نساجی را پذیرفت. تیمی که با داوود مهابادی در بحران قرار داشت، با حضور نکو احیا شد و سرانجام بعد از ۲۴ سال به سطح اول فوتبال ایران رسید. صعود بانساجی به لیگ برتر، یک موفقیت بزرگ برای سرمربی تازه کار این باشگاه به شمار می رفت. هم زمان با نتایج درخشان جواد نکونام، علی کریمی نیز ماموریتش در فوتبال رشت را با موفقیت به پایان برد. او روی نیمکت سپیدرود نشست و توانست این تیم را در جدول لیگ برتر حفظ کند. ستاره های گذشته تیم ملی در جایگاه تازه، مسیری به شدت مشابه را پیموده اند اما شاید بازی های بزرگ چند روز قبل، زمانی برای پایان این شباهت ها باشد. نکو و جادو گر در فاصله ای بسیار کوتاه، دو مسابقه حساس

جواد نکونام و علی کریمی در فاصله ای کوتاه، دو روز حساس را در دوران مربیگری شان پشت سر گذاشتند. نکو در آزادی به پرسپولیس باخت و جادو گر در ال گیلانو به پیروزی رسید. فارغ از هر نتیجه ای، آنها دو چهره مهم در نسل تازه سرمربیگری فوتبال ایران به شمار می رفت. مردانی با چند شباهت و البته چند تفاوت بزرگ که شاید روزی روی نیمکت تیم ملی ظاهر شوند. وقتی کارلوس کی روش هدایت تیم ملی را بر عهده گرفت، علی کریمی و جواد نکونام کاپیتان های اول و دوم تیم محسوب می شدند. سرمربی پرفعال بازوبند را از کریمی تحویل گرفت و آن را به نکونام سپرد. هر دوی آنها برای مدتی کوتاه دستگیری کارلوس کی روش را نیز تجربه کردند و هر دو به شکل ناخوشایندی از کادر فنی کارلوس جدا شدند. این دو نفر در ادامه مسیر مشابه شان، بدون تجربه جدی دستگیری، مشغول سرمربیگری شدند. کریمی یک تجربه عجیب و پر حاشیه را در نفت تهران